

A meta-analysis of women's political participation and the factors affecting it (1980s and 1990s)

Seyed Ali Mirlohi*, **Taha Ashayeri****

Tahereh Jahanparvar***, **Zahra Hasanzade******

Abstract

Background: Political participation is considered vital in civic development, change in political values, promotion of socio-economic status (status) of women. In Iran, women's participation was key for the first time after the 1979 revolution, and participation in the election of councils, representatives, government cabinet levels, and important institutions has made women's political participation an important issue in the political system. Accordingly, the purpose of this study is to meta-analyze the research conducted on the factors affecting women's political participation.

Method: The research method is meta-analysis. The tool was published studies in the period 1387 to 1400 that from 21 statistical populations, 14 samples were selected by purposive methods. Comprehensive meta-analysis (CMA) software was used to analyze the collected information.

Results: The results show that psychological factors (0.132), cultural factors (0.268), family factors (0.180), social factors (0.269), political factors (0.184) and

* Master of Islamic Education and Private Law, Imam Sadegh University, (Corresponding Author)
mrseyed95@gmail.com

** Assistant Professor Mohaghegh Ardabili University, t.ashayeri@gmail.com

*** Master of Cultural Studies, Kashan University, jparvar@yahoo.com

**** Master of Social Sciences, Kashan University, mahdiranj@ymail.com

Date received: 01/09/2021, Date of acceptance: 15/10/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

economic factors (0.204) had a significant effect on women's political participation and In total, the overall effect coefficient is equal to 0.238.

Keywords: Women, patriarchal structure, political capital, family system, political participation.



فهم جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی زنان در ایران: فرا تحلیل بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۴۰۰

سیدعلی میرلوحی*

طاها عشایری**، طاهر جهان‌پرور***، زهرا حسن‌زاده****

چکیده

مشارکت سیاسی امری حیاتی در توسعه مدنی، تحول در ارزش‌های سیاسی، ارتقای پایگاه اجتماعی-اقتصادی (منزلت) زنان تلقی می‌شود. در ایران، مشارکت زنان پس از انقلاب ۱۳۵۸ در قالب انتخاب شوراهای، نمایندگان، سطح کابینه دولت، به صورت تدریجی افزایش یافته و زنان به کنشگران اصلی در نظام سیاسی تبدیل شدند. هدف اصلی پژوهش فهم جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی زنان در ایران با تأکید بر تحقیقات پیمایشی (انتشار یافته در پایگاه علمی، نورمگز، اس.آی.دی.آر) است. روش تحقیق از نوع فراتحلیل (کمی)، جامعه آماری آن ۲۱ مورد که ۱۴ سند به رعایت اصول روشی در بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۴۰۰ انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد که عوامل روانی (۰.۱۳۲)، عوامل فرهنگی (۰.۲۶۸)، عوامل خانوادگی (۰.۱۸۰)، عوامل اجتماعی (۰.۲۶۹)، عوامل سیاسی (۰.۱۸۴) و عوامل اقتصادی (۰.۲۰۴) بر مشارکت سیاسی زنان تأثیر معنی‌داری داشته و در کل ضریب اثر کلی برابر با ۰.۲۳۸ است.

* کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول)،
mrseyed95@gmail.com

** استادیار، دانشگاه محقق اردبیلی، t.ashayeri@gmail.com

*** کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان، jparvar@yahoo.com

**** کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، mahdiranj@ymail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۳



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: مشارکت سیاسی، ساختار پدرسالارانه، ایران، توسعه سیاسی و زنان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

امروزه حضور زنان در ابعاد مختلف اجتماع به‌عنوان نیمی از نیروی انسانی در جوامع بشری، از پیش‌نیازهای توسعه‌یافتگی کشورها به‌شمار می‌رود (زمردبخش آزاد و همکاران، ۱۳۹۹). مشارکت سیاسی و اجتماعی فرآیندی مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال فرد در جایگاه عضو جامعه در صحنه‌های سیاسی-اجتماعی و ایفای نقش‌های اجتماعی است (پالمر، اشترن و گایل، ۱۳۷۱). پذیرش اصل برابری مردم، بنیادی‌ترین اصل در مشارکت بوده و هدف از آن همفکری، همکاری و تشریک‌مساعی افراد مشارکت سیاسی به معنای فرصت پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی، از شرط‌های لازم دموکراسی است (لیپست، ۱۳۸۳: ۱۲۴۱). مشارکت سیاسی به‌مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمالی است که شهروندان خصوصی به‌وسیله آن اعمال در جست‌وجوی نفوذ یا حمایت از حکومت و سیاست خاصی هستند (فیرحی، ۱۳۷۷: ۴۲). این مشارکت می‌تواند نظام‌های سیاسی را در فرایند دستیابی به دموکراسی یاری رساند (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۴). مشارکت سیاسی پدیده‌ای جهانی است و در همه جوامع یافت می‌شود (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). اگرچه مشارکت در امور سیاسی برای اولین بار از حدود دویست سال قبل، از طریق حق رأی صرفاً برای مردان آغاز شد، زنان در بیش‌تر کشورها تا پایان جنگ جهانی دوم از حق رأی محروم بودند (ملکی، ۱۳۸۴: ۲۲۶). مشارکت سیاسی زنان، بعضاً به‌عنوان یک فاعل و کنشگر آزاد در راستای آزادسازی نیروها و توان بالقوه و نهفته نیمی از جمعیت یک جامعه معرفی می‌شود (علم و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۹). شکاف جنسیتی و مشارکت کم‌تر زنان نسبت به مردان در اکثر کشورها و حتی نژادهای گوناگون یک پدیده آشکار هست (نیک‌پورقنواتی، ۱۳۹۱: ۴۳). مشارکت سیاسی زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جهان از اهمیت برخوردار است، زیرا مشارکت زنان، نیل به توسعه واقعی، تعالی زندگی و کاهش نابرابری‌ها را تسهیل می‌نمایند (لهسایی‌زاده و باور، ۱۳۸۱). ایران یکی از کشورهای درحال توسعه به‌شمار می‌رود که برای رسیدن به توسعه سیاسی باید زمینه‌های مشارکت سیاسی شهروندان خود را بیش‌ازپیش بهبود بخشد و موانع پیش و روی آن‌ها را رفع کند (حیدری‌ساربان، ۱۳۹۷: ۶۸۱). مشارکت سیاسی زنان از

مباحث درخور توجه در این حوزه است که در هر جامعه‌ای با چالش‌ها و موانع خاص خود مواجه است (زندى و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۱). مشارکت زنان در حوزه عمومی، سیاست و فرایند تصمیم‌گیری به آگاهی از حقوق و چگونگی اعاده آن، دسترسی به اطلاعات در مورد قوانین، سیاست‌ها، نهادها و ساختارهای حکومتی، توانایی‌های فردی، اعتمادبه‌نفس و مهارت برای مواجهه با ساخت قدرت، شبکه‌های حمایتی و مدل‌های نقش، استقلال اقتصادی و دسترسی به منابع مالی، دسترسی به فرصت‌های آموزشی و نگرش‌های اجتماعی، فرهنگی و عقاید قالبی در خصوص خانواده و حوزه عمومی، بستگی دارد (عظیمی هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴). در کشورهای خاورمیانه، حضور زنان در عرصه سیاسی و نیز مشارکت سیاسی آنان نسبت به مردان پایین بوده است که مهم‌ترین دلیل آن‌ها؛ مردسالارانه بودن ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه و هم‌چنین محدودیت‌های عرفی و شرعی هست که مانع از حضور چشمگیر زنان در عرصه‌های گوناگون می‌شود و مهم‌تر از همه طرز نگرش جامعه نسبت به حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف، میزان مشارکت زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اسکندری چراتی، ۱۳۹۶). به‌طورکلی نتایج مطالعات داخلی در حوزه زنان، مهم‌ترین موانع و عوامل مشارکت سیاسی زنان در زیر نشان داده شده است (رئیسى و همکاران، ۱۳۹۹).

جدول ۱. موانع و عوامل مشارکت سیاسی زنان در ایران

پژوهشگر	دستاوردهای پژوهش
ستوان و همکاران (۱۳۹۴)	متغیر اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که متغیر اعتماد مردان طایفه به زنان بلوچ تأثیر مستقیم بر مشارکت سیاسی زنان شهر ایرانشهر دارد.
خسروی و همکاران (۱۳۹۱)	مشارکت زنان از دو جنبه بهره‌وری جامعه از نیروی آنان و همچنین احساس رضایت از شرکت در سازندگی کشور از سوی خودزنان درخور تأمل است.
خسروی و همکاران (۱۳۹۴)	بین هریک از متغیرهای رضایتمندی اجتماعی، رسانه جمعی، درآمد و جنسیت با مشارکت اجتماعی-سیاسی رابطه معنادار مشاهده شد.
عظیمی و همکاران (۱۳۹۴)	توانمندسازی و کاهش انسداد اجتماعی ترکیبی از سه مؤلفه آگاهی، توان تصمیم‌گیری و سازمان‌دهی است و اگر به حوزه مشارکت سیاسی زنان تعمیم داده شود، مستلزم افزایش آگاهی سیاسی، افزایش توان تصمیم‌گیری و سازمان‌دهی سیاسی زنان است.
میرکازهی ریگی و همکاران (۱۳۹۵)	موانع اقتصادی و ساختار اجتماعی دارای بیشترین و موانع آموزشی دارای کمترین نقش بر میزان مشارکت زنان بلوچ در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی هستند.
رئیسى (۱۳۹۴)	فرهنگ سیاسی مردم بلوچ بر مشارکت سیاسی زنان بلوچ تأثیر مستقیم گذاشته است. علت باورهای سنتی خانواده و پایین بودن سطح آگاهی زنان است.

محمدی اصل (۱۳۸۳)	فرهنگ سیاسی مردسالاری مبتنی بر تدوین قواعد «تبعیت زنان از شوهران» خصوصاً در عرصه سیاسی و ناگزیر غیرفعال داشتن آن است.
قاسمی و معالی (۱۳۹۳)	عوامل فرهنگی و چگونگی جامعه‌پذیری زنان مهم‌ترین عوامل محدودکننده مشارکت سیاسی زنان و محدود ماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی است.
رئیس‌ی (۱۳۹۲)	مشارکت سیاسی زنان بلوچ در زمان انتخابات به صورت توده‌وار و متأثر از مردان است.
موحد (۱۳۸۲)	تمایل زیاد زنان ایرانی به مشارکت در امور سیاسی حتی در مناطق محروم کشور مانند بندرعباس وجود دارد.
اسفندیارزاده و ملکی (۱۳۹۳)	تجهیز جامعه و افراد آن برای نیل به هدف توسعه ضرورتی انکارناپذیر است و در این میان، حضور فعالانه افراد برای رسیدن به چنین هدفی بسیار مهم است. زنان، به‌عنوان نیمی از نیروی انسانی، می‌توانند نقشی بسزا در توسعه جوامع انسانی ایفا کنند.

سیستم پدرسالاری منعکس شده در قوانین مربوط به دسترسی به منابع و درآمدها، شرایط اقتصادی چون فقر، بیکاری، استثمار و دسترسی نابرابر به مشاغل جدید، کسب استقلال اقتصادی، تفاوت اجتماعی شدن و دو جنس و تفاوت در رفتارهایی مانند کم بودن اعتمادبه‌نفس، پیش‌داوری و مخالفت خانواده و تصویر منفی از زنان اهل سیاست، پیش‌داوری درباره حوزه فعالیت زنان و مردان و مردانه دانستن سیاست، موانع کلی مشارکت سیاسی زنان هستند. همچنین شواهد تجربی از نقاط مختلف جهان یک نوع تفاوت و شکافی را میان حدود مشارکت زنان و مردان نشان می‌دهد که این محدودیت بیش‌تر قشر زنان را در برمی‌گیرد. مطالعه و بررسی رفتار سیاسی زنان در جامعه ایرانی نیز، همواره مورد اهمیت و نحوه اجرا و نوع عملکرد سیاسی آنان از اهمیت بسزایی برخوردار است. مشارکت زنان نیروی اثربخش می‌تواند رویکرد و عملکرد سیاسی را تحت‌تأثیر قرار دهد. همواره عوامل اجتماعی متعددی در دوره‌های مختلف تاریخی رفتار سیاسی زنان را تحت‌تأثیر قرار داده و زنان تابع آن رفتار سیاسی خود را بروز داده‌اند. با نگاهی کوتاه به حوزه‌های نگران‌کننده مربوط به زنان، هدف نهایی توانمندسازی، نیل به استقلال زنان در عرصه «سیاسی» هست. هرچند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از مشکلات بر سر راه توفیق زنان در کسب‌وکار از میان برداشته شده است، اما هنوز چالش‌ها و موانع فراروی زنان نیز بسیار است. بر اساس اسناد و شواهد تاریخی، زنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسزایی ایفا نمودند، اما باوجود شایستگی‌ها و توانمندی‌هایشان در ابعاد علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری آن چنانکه شایسته است به کار گرفته نشده‌اند. ازاین‌رو بازشناسی توان فرآیند و موانع توانمندسازی زنان در امر مشارکت سیاسی در سطح ملی از مسائلی است که

فهم جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی ... (سیدعلی میرلوحی و دیگران) ۱۸۵

باید به آن توجه شود. زنان در توسعه سیاسی ایران نقش فعالی را برعهده دارند، بطوری که در انتخاب‌های مهم کشوری و همچنین نهادهای اجرایی، این امر مشهود است. بر این اساس هدف اصلی این پژوهش فهم جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی زنان در ایران با رویکرد فراتحلیل (۱۳۸۷-۱۴۰۰) است.

۲. پیشینه و دیدگاه‌های نظری پژوهش

جدول ۳. مطالعات مشارکت سیاسی زنان در ایران

سال	نویسندگان	عنوان
۱۳۹۹	شیخ‌زاده و صفری	ارزیابی مشارکت سیاسی زنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و عوامل مؤثر بر آن
۱۳۹۹	مظفری و همکاران	بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای مشارکت سیاسی زنان شهر قزوین
۱۳۹۸	باقری و همکاران	بررسی رابطه جامعه‌پذیری سیاسی با مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز با رویکرد الگوسازی معادله ساختاری
۱۳۹۶	رهبر قاضی و همکار	بررسی مشارکت سیاسی زنان در فرایند شکل‌گیری، تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی
۱۳۹۶	باقری و همکاران	بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان
۱۳۹۵	زارعی	بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان
۱۳۹۴	دارابی	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در استان همدان
۱۳۹۴	شیخ زکریایی و همکاران	بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان شهرستان سنندج در سال ۱۳۹۴
۱۳۹۴	عظیمی‌هایمی و همکاران	مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل مؤثر بر آن
۱۳۹۴	هاشمی	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان
۱۳۹۳	اطهری و شهریاری	بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان شهر بوشهر
۱۳۹۳	پناهی و همکاران	فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان
۱۳۸۸	جعفری‌نژاد و همکاران	بررسی میزان مشارکت سیاسی زنان شاغل در آموزش و پرورش ناحیه یک شهر شهرکرد
۱۳۸۷	خواججه‌نوری و مقدس	جهانی‌شدن و مشارکت سیاسی زنان در ایران نمونه مورد مطالعه: تهران، شیراز و استهبان

۳. نوآوری پژوهش حاضر

زنان، همیشه به عنوان رکن مهم توسعه و تحول اجتماعی بوده‌اند. عبور از زندگی کوچ‌نشینی به نظام منظم کشاورزی که همراه آن تمدن، امنیت جمعی، دموکراسی، توسعه، زندگی مبتنی بر قانون بود، با نقش‌آفرینی زنان در کاشت دانه و تحول کشاورزی رخ داد، به این ترتیب زنان در تاریخ، همیشه یک‌بخشی از تحولات مهم اجتماعی-سیاسی را رقم زدند. در ایران زنان، در دوره‌های مختلف تاریخی حائز اهمیت بوده‌اند. بعد از انقلاب با مشارکت در جنگ، احزاب، مشارکت در سازندگی، دانشگاه‌ها و نظام اداری به اهمیت یافتن نقش آنان منجر شده است. مشارکت سیاسی زنان همپای مردان بسیار مهم و مورد توجه بوده است. در این باره مطالعات مختلفی سعی در تبیین و فهم علت جامع آن بوده‌اند، به دلیل پراکندگی در مطالعات میدانی، تفاوت زمانی-مکانی و عدم یک مطالعه فراگیر و جامع، سیاست‌گذاری جامع و کلان در این زمینه ممکن نبود، این پژوهش با انجام فراتحلیل روی ۱۲ مطالعه صورت گرفته درباره مشارکت سیاسی زنان، به یک دسته‌بندی کامل و جامعه درباره علت‌های اصلی مشارکت سیاسی زنان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است.

۱.۳ مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است (باصری، ۱۳۸۸: ۸۱؛ واینر و هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۲۱۵). درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی (راش، ۱۳۹۹: ۱۲۴). تقلیل آگاهانه انجام امری در شکل همکاری با میل و رغبت و نیاز، با هدف بهبود زندگی اجتماعی (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۷۲) درگیری فکری و احساسی یک شخص در یک وضعیت گروهی که این درگیری، شخص را تشویق می‌کند که به هدف‌های گروهی کمک کند و در مسئولیت آن‌ها سهیم باشد (آبرکرامی و همکاران، ۱۳۷۶: ۲۱۰). رفتاری که اثر می‌گذارد یا قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد (میلبراث، ۱۹۶۵: ۲۰). شرکت در امور سیاسی و گزینش رهبران سیاسی توسط مردم در مواردی مشارکت سیاسی فقط از طریق دادن رأی تحقق می‌یابد؛ لیک در بسیاری از موارد، بعضی بدان قناعت نمی‌کنند و در تبلیغات سیاسی، یا شرکت در احزاب، ایفای نقش می‌نمایند (ساروخانی، ۱۳۹۹: ۵۲۲).

۴. تاریخچه مشارکت سیاسی زنان در جهان و ایران

مشارکت سیاسی گروه‌های اجتماعی کلید توسعه سیاسی یک جامعه است؛ بدین معنا که به هر میزان مشارکت سیاسی افزایش یابد، توسعه سیاسی نیز افزایش خواهد یافت. در دهه ۱۹۸۰ به جای اصطلاح زن در توسعه، اصطلاح «جنسیت در توسعه» به کار گرفته شد و در پی آن در بسیاری از کشورهای جهان سوم راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و برطرف شدن این موانع اتخاذ شد. یکی از این راهبردها، توانمندسازی زنان با تأکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفاً به مفهوم بهره‌مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست، بلکه آنان باید در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه اقتصادی مشارکت فعالانه داشته باشند (رئیس و همکاران، ۱۳۹۹). در بخش اعظم تاریخ جهان فعالیت سیاسی برای زنان نامناسب دانسته می‌شد. در واقع تا دهه ۱۹۶۰ تقسیمات جنسیتی به ندرت از حیث سیاسی، چشمگیر یا مهم تلقی می‌شد و این تفاوت‌ها بیشتر طبیعی تلقی می‌شدند (پیشگاهی فرد و زهدی گهرپور، ۱۳۸۹: ۲۹). تاریخچه جنبش سیاسی زنان و اندیشه‌های مربوط به آن را باید از انقلاب فرانسه به بعد جست‌وجو کرد. در طی انقلاب فرانسه زنان به تشکیل باشگاه‌های انقلابی پرداختند (موحد و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۲). زلاندنو نخستین کشوری بود که در اوایل سال ۱۹۸۳ به زنان حق رأی داد و به تدریج در سایر کشورها نیز این حق اعطا شد. در ایران در سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲ ه.ش) به دنبال برنامه اصلاحاتی شش ماده‌ای و به موجب ماده ششم رفراندوم انقلاب سفید، حق رأی به زنان تفویض شد (ملکی، ۱۳۸۴: ۲۲۶). مشارکت در امور سیاسی برای اولین بار از حدود دو دهه سال قبل، از طریق حق رأی صرفاً برای مردان، در جوامع غربی رواج یافت، اما مشارکت زنان در سیاست با تأخیری صدساله آغاز شد. زنان در بیشتر کشورها تا پایان جنگ جهانی دوم از حق رأی محروم بودند (غروی نایینی، ۱۳۸۸: ۲). از دهه هفتاد میلادی مسائل مربوط به شرکت همه‌جانبه زنان در فرایند برنامه‌های توسعه ملی به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه و عمران ملی و بین‌المللی گردید و تا سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مسائل مربوط به زنان را به وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند (هاشمی، ۱۳۹۴: ۹۰). در مجموع، از ابتدای قرن هجدهم میلادی نخستین تحریک‌های جنبش حقوق زنان در اروپا آغاز گردید و این روند همراه با تحولات شگرف اواخر این قرن یعنی انقلاب کبیر فرانسه، استقلال آمریکا، انقلاب صنعتی، رشد

مکاتب فلسفی و سیاسی همچون مارکسیسم، لیبرالیسم و... به سیر تحول خویش ادامه داد. در ایران پیشینه واکنش در برابر وضعیت سنتی زنان به اوایل قرن بیستم و به ویژه به جنبش مشروطیت بازمی‌گردد؛ اما این واکنش از سوی زنان ایرانی، بلکه به واسطه عواملی بوده است که این عوامل در بیرون از ساختار زنانگی زنان این جغرافیا حضور داشته است؛ یعنی در نتیجه ارتباط با اروپا در اواخر قرن نوزدهم، عرصه فعالیت و مشارکت سیاسی برای زنان تعریف شد. نخستین حرکت زنان در دوره معاصر پس از شکست ایران از روس در برابر زنان گرجی و یا نخستین حرکت زنان در جنبش تحریم تنباکو و یا تحصن در حرم عبدالعظیم و یا مشارکت در تأسیس بانک ملی ایران و موارد دیگر را نباید به مثابه مشارکتی مستقل برای زنان تلقی کرد (علی مردانی و ازغندی، ۱۳۹۶).

جدول ۲. میزان حضور زنان در ادوار نمایندگی مجلس

دوره	نمایندگی زنان	درصد کل
اول	۳	۱.۴۳
دوم	۳	۱.۴۸
سوم	۳	۱.۴۹
چهارم	۹	۳.۴۸
پنجم	۱۴	۴.۸۳
ششم	۱۳	۴.۴۸
هفتم	۱۲	۴.۱۴
هشتم	۸	۲.۷۵

۵. نظریه پژوهش

گیدنز: دوام جامعه به همکاری و توافق اعضای آن بر سر ارزش‌های اساسی است که این ارزش‌ها به نوبه خود به فرض وجود یک وفاق فراگیر وابسته‌اند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۷۶۶). در این نظریه، فرایند جامعه‌پذیری سیاسی مورد تأکید قرار دارد و به همین دلیل نیز، عضویت فرد در گروه‌ها و انجمن‌ها و احزاب عاملی مؤثر بر مشارکت سیاسی قلمداد می‌شود، زیرا در این نوع فعالیت‌ها، فرد مسئولیت‌پذیر می‌شود و می‌آموزد که باید در تصمیم‌گیری‌های

فهم جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی ... (سیدعلی میرلوحی و دیگران) ۱۸۹

مؤثر بر سرنوشت خود و دیگران حضورداشته باشد (بگ رضایی، ۱۳۸۷: ۵۴؛ قاسمی، ۱۳۸۱: ۸۰؛ گلابی و همکار، ۱۳۹۱: ۱۷۳؛ کاستلو، ۲۰۰۹ و أنیل، ۲۰۰۴).

سیمن: فرد توانایی کنترل نتایج فعالیت یا نیروهای جدید را ندارد. در جامعه صنعتی فرد خود را ناتوان می‌بیند و درمی‌یابد که در سرنوشت خویش نقشی ندارد و نیز در نظام اجتماعی فاقد کار و کاروری است. در وضعیت بی‌قدرتی؛ فرد احتمال می‌دهد یا انتظار دارد که رفتارش نتیجه یا پاداشی را که در پی آن است به همراه نداشته است (گلابی و همکار، ۱۳۹۱: ۲۰۰). دوایت، دین و بی‌قدرتی سیاسی را مانع مشارکت سیاسی معرفی کرده است (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۲۹).

رابرت دال: مشارکت نگرشی است که بر اثر آن فرد احساس می‌کند با مشارکت سیاسی خود بر فرایندهای سیاسی اثر گذاشته و بر آن‌ها نظارت می‌کند (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰۸) افراد وقتی تصور کنند آنچه انجام می‌دهند اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی نخواهد گذاشت، کمتر در امور سیاسی درگیر می‌شوند. لذا هر چه احساس اثربخشی سیاسی فردی کمتر باشد، مشارکت سیاسی او کمتر خواهد بود. هر چه احساس اثربخشی سیاسی فرد بیشتر شود، مشارکت سیاسی او نیز بیشتر خواهد بود؛ از سوی دیگر؛ اگر افراد احساس کنند که حضور در عرصه سیاسی فاقد اثرگذاری بر روند سیاسی است، در آن صورت مشارکت سیاسی نیز شکل نخواهد گرفت و یا گسترش نخواهد یافت (اطه‌ری و شهریاری، ۱۳۹۳: ۲۶۵). وی اثربخشی سیاسی را اعتمادبه‌نفس سیاسی می‌نامد (جعفری‌نیا، ۱۳۹۱: ۹۵).

هوفمان: آموزه‌های دینی می‌تواند افراد را به مشارکت در سرنوشت سیاسی جامعه خود تشویق و تهییج کند. دین نظامی از مسئولیت‌ها را طراحی می‌کند که به طور دقیق وظایف فرد در آن مشخص است و بر اساس آن، شخص متناسب با موقعیت‌های متنوع به پاسخ‌های مناسب اقدام می‌کند (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳). یا وجود آموزه‌های دینی همچون مسئولیت همگانی، توجه به آرای عمومی و جریان نظارت عمومی از عمده‌ترین اصولی است که در دین اسلام وجود دارند و فرد را به سرنوشت جامعه خویش حساس می‌کنند. پژوهشگران رابطه مستقیم بین دین‌داری برافزایش مشارکت سیاسی را تأیید کرده‌اند (امیری اسفرجانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۶؛ بگ رضایی، ۱۳۸۷: ۵۴؛ جعفری‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۸، ۸۳؛ فیروزجائیان، ۱۳۸۷: ۸۴؛ نیک‌پور قنواتی و همکاران،

۱۳۹۱؛ ۴۱؛ هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹۹؛ هوفمان و همکار، ۲۰۰۸؛ جمنا و همکار، ۲۰۰۹: ۱۶۸ و نینر و همکاران، ۲۰۱۲).

پارسونز: زنان در خانواده نقش عاطفی ایفا می‌کنند. آنان با محبت و عاطفی بوده و از آن‌جاکه آزادی زنان ممکن است به آشفتگی جامعه امروزی و حاکمان بیانجامد، از این امر کارکردی در جامعه نداشتند و تأثیر منفی بر جامعه خواهد داشت. به‌طور کلی این دیدگاه هرگونه فعالیت خارج از خانه برای زنان به‌ویژه فعالیت سیاسی را از سوی زنان رد نموده و آن را باعث آشفتگی جامعه می‌داند (ملکی، ۱۳۸۴: ۲۳۵ و ۲۳۶).

ماکس وبر: پدرسالاری یا واژه نزدیک به آن (مردسالاری)، توسط ماکس وبر، برای نشان دادن نظام قدرت در جوامع سنتی به کار می‌رود. در جوامع پدرسالار و در قالب خانوار، اقتدار، توسط وراثت اعضای مذکر خانواده انتقال پیدا می‌کند. پدرسالاری نزد وبر وصف جوامع فئودالی است و مقوله‌ای بی‌ارتباط با جنسیت است. پدر در خانواده پدرسالار بر تمام اعضای خانواده اعم از زن و مرد سلطه دارد. واژه پدرسالاری اولین بار در دهه ۹۱، در ادبیات فمینیستی به‌عنوان مفهومی که دارای اهمیت سیاسی است، کاربرد گسترده‌ای یافت. این واژه به معنای نظام اقتدار مردانه است که از راه نهادهای خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، زنان را مورد ستم و سرکوب قرار می‌دهد. در تمامی مظاهر تاریخی، جامعه مردسالار، چه فئودالی، چه سرمایه‌داری یا سوسیالیستی، نظام جنس، جنسیت و تبعیض اقتصادی به‌طور هم‌زمان عمل می‌کند، منشأ مردسالاری، دسترسی بیشتر و گسترده‌تر مردان بر منابع و امتیازات ساختارهای سلطه، در داخل و خارج از خانه است؛ بنابراین برخی فمینیست‌ها مفهوم عام پدرسالاری را به کار گرفتند تا به‌وسیله آن سلطه فراگیر نظام مردسالار را که در همه عرصه‌های زندگی و حتی در شخصی‌ترین روابط میان زن و مرد رخنه کرده را نشان دهند، زیرا از نظر آن‌ها هیچ رابطه‌ای میان زنان و مردان برقرار نمی‌گردد، مگر اینکه بر اساس یک ستم جنسی و یک رابطه قدرتمدارانه استوار باشد. فریدمن اظهار می‌دارد فرهنگ پدرسالاری با تقسیم کار محول نمودن انجام امور خانه به زنان، عملاً به‌نوعی، سبب سلب فرصت مشارکت برابر زنان را فراهم آورده و به‌تدریج به‌صورت یک نهاده ذهنی درآمده است که مطابق آن، الگوهای رفتاری متناسب با همان ارزش‌ها را به زنان ارائه می‌دهد. منزوی کردن زنان در خانه جهت خدمتگزاری به شوهر،

فهم جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی ... (سیدعلی میرلوحی و دیگران) ۱۹۱

فرزند و یا جمع خانواده، نمونه‌ای است که می‌تواند آسیب‌های دیگری را در خود بپروراند و به‌نوعی ساخت اجتماعی مؤنث ابدی را تلقین کند (زمردبخش آزاد و همکاران، ۱۳۹۹).

۶. روش پژوهش

فراتحلیل، روش اصلی این تحقیق بوده و هدف آن ترکیب اندازه اثر (ضریب نهایی) متغیر مستقل (بیش از دو متغیر مشابه) بر یک متغیر وابسته (مشابه است) است. معیارهای لازم در ورود داده به نرم افزار، سال انتشار، ضرایب همبستگی و سطح معناداری و حجم نمونه تحقیق است. جامعه آماری ۲۰ سند که ۱۴ مورد با رعایت پیمایشی بودن، رعایت روایی و پایایی، مطالعه موردی و نوع مقاله (علمی پژوهشی) انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری از نوع عمدی-غیراحتمالی است که پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور و پایگاه مجلات تخصصی نورمگز در فاصله زمانی ۱۳۸۷-۱۴۰۰ نمایه شدند و مقاله‌های نهایی و گرینش شده برای CMA2 در این باهز زمانی قرار داشتند.

۷. یافته‌های پژوهش

نتایج مطالعات مشارکت سیاسی زنان در دو بخش توصیفی و تبیینی ارائه شده است.

۱.۷ یافته‌های توصیفی

جدول ۴. ساختار روشی مطالعات مشارکت سیاسی زنان

حجم نمونه	جامعه آماری	شیوه	فن	نویسنده
۴۰۰	زنان دارای سن بالای ۱۷ سال تهران	خوشه‌ای	پرسشنامه	شیخ‌زاده و صفری (۱۳۹۹)
۴۸۰	زنان ۲۵ تا ۵۵ سال شهر قزوین	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	پرسشنامه	مظفری و همکاران (۱۳۹۹)
۳۸۴	زنان شهر اهواز	طبقه‌ای	پرسشنامه	باقری و همکاران (۱۳۹۸)
۱۸۰	زنان معلم شهرستان پارسین	تصادفی ساده	پرسشنامه	باقری و همکاران (۱۳۹۶)
۴۱۶	زنان	طبقه‌ای	پرسشنامه	رهبر قاضی و همکار (۱۳۹۶)

۴۰۰	زنان ۱۸ سال به بالای نیاوند	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	پرسشنامه	زارعی (۱۳۹۵)
۲۸۷	دانشجویان دانشگاه مازندران	خوشه‌ای	پرسشنامه	دارابی (۱۳۹۴)
۶۷۴	دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران عضو فیس‌بوک	هدفمند و گلوله برفی	پرسشنامه	شیخ ذکریایی و همکاران (۱۳۹۴)
۴۹۰	زنان ۱۸ تا ۳۸ ساله دیپلم و بالاتر	تصادفی	پرسشنامه	عظیمی هاشمی و همکاران (۱۳۹۴)
۳۴۳	زنان شهرستان لامرد ۱۸ تا ۳۹ ساله	تصادفی ساده	پرسشنامه	هاشمی (۱۳۹۴)
۳۵۰	زنان شهر بوشهر	خوشه‌ای و تصادفی	پرسشنامه	اطهری و شهریاری (۱۳۹۳)
۳۸۵	زنان بالای ۲۰ سال یزد	تصادفی	پرسشنامه	پناهی و همکاران (۱۳۹۳)
۳۴۲	زنان شاغل در آموزش و پرورش شهرکرد	تصادفی طبقه‌ای	پرسشنامه	جعفری نژاد و همکاران (۱۳۸۸)
۲۲۶۰	زنان ۱۶ تا ۴۵ ساله تهران، شیراز، استهبان	تصادفی نظام‌مند	پرسشنامه	خواججه‌نوری و مقدس (۱۳۸۷)

۱.۱.۷ روند زمانی پژوهش

جدول ۵. روند زمانی پژوهش

درصد	فراوانی	جزئیات
۱۴.۲	۲	۱۳۹۹
۷.۱	۱	۱۳۹۸
۱۴.۲	۲	۱۳۹۶
۷.۱	۱	۱۳۹۵
۲۸.۵	۴	۱۳۹۴
۱۴.۲	۲	۱۳۹۳
۷.۱	۱	۱۳۸۸
۷.۱	۱	۱۳۸۷

نتایج نشان می‌دهد که بیشترین تحقیقات در سال ۱۳۹۴ (۲۸.۵) انجام گرفته است.

۲.۱.۷ قلمرو مکانی-جغرافیایی مطالعات

جدول ۶. قلمرو مکانی-جغرافیایی مطالعات

جزئیات	فراوانی	درصد
بوشهر	۱	۷.۱
تهران	۲	۱۴.۲
چهارمحال و بختیاری	۱	۷.۱
خراسان رضوی	۱	۷.۱
خوزستان	۱	۷.۱
فارس	۱	۷.۱
قزوین	۱	۷.۱
کردستان	۱	۷.۱
کشوری	۲	۱۴.۲
مازندران	۱	۷.۱
همدان	۱	۷.۱
یزد	۱	۷.۱

برحسب نتایج عمده‌ترین تحقیقات (۱۴.۲ درصد)، به صورت ملی-کلان و کلان-شهر تهران اجرا شده است.

جدول ۷. جامعه آماری پژوهش

گروه موردی بررسی	فراوانی	درصد فراوانی
زنان شهروند (شهروندان زن)	۱۰	۷۱.۴
دانشجویان	۲	۱۴.۲
معلمان	۲	۱۴.۲
جمع کل	۱۴	۱۰۰

بر این اساس، جامعه زنان شهروند با (۷۱.۴ درصد فراوانی) از بالاترین درصد و سایر جوامع موردبررسی، یعنی دانشجویان و معلمان زن با (۱۴.۲ درصد فراوانی)، پایین‌ترین درصد را در انتخاب جامعه آماری داشته‌اند.

جدول ۸. روش نمونه‌گیری پژوهش

شیوه	فراوانی	درصد
خوشه‌ای	۵	۳۶
طبقه‌ای	۳	۲۱
تصادفی ساده	۵	۳۶
هدفمند و گلوله برفی	۱	۷
جمع	۱۴	۱۰۰

نتایج نشان می‌دهد که بیشترین روش نمونه‌گیری در مطالعات مشارکت سیاسی زنان، با روش خوشه‌ای و تصادفی ساده بوده است.

جدول ۹. فراوانی حجم نمونه در پژوهش‌های مرور شده

حجم نمونه (نفر)	فراوانی	درصد
کمتر از ۲۰۰	۱	۷
۲۰۱-۳۰۰	۱	۷
۳۰۱-۴۰۰	۷	۵۰
بالاتر از ۳۰۱	۵	۳۶
جمع کل	۱۴	۱۰۰

نتایج نشان می‌دهد که بیشترین حجم نمونه، بین ۳۰۱-۴۰۰ (۵۰ درصد) قرار گرفته است.

جدول ۱۰. وضعیت گرایش به فعالیت سیاسی

وضعیت	درصد
بالا	۳۶.۳۶
متوسط	۳۶.۳۶
پایین	۲۷.۲۷
جمع کل	۱۰۰

فهم جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی ... (سیدعلی میرلوحی و دیگران) ۱۹۵

نتایج نشان می‌دهد که میزان گرایش به مشارکت سیاسی در بین زنان در حد متوسط (۳۶.۳۶) بوده است

۲.۷ استنباطی

جدول ۱۱. نتایج ضریب همبستگی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان

نتایج آماری					عوامل
sig	Z	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	
۰.۰۰۰	۲.۱۰۶	۰.۷۸۲	۰.۲۱۷	۰.۱۵۸	احساس بیگانگی
۰.۰۰۳	۷.۱۷۵	۰.۵۱۴	۰.۲۰۳	۰.۳۱۶	احساس بی‌منزلی
۰.۰۰۱	۹.۳۲۱	۰.۳۸۴	۰.۱۰۲	۰.۳۰۷	احساس رضایت اجتماعی
۰.۰۰۱	۵.۶۴۳	۰.۸۰۳	۰.۱۵۶	۰.۱۸۸	سرمایه فرهنگی
۰.۰۰۱	۳.۰۱۲	۰.۹۸۱	۰.۳۶۷	۰.۱۵۸	سطح تحصیلات
۰.۰۰۰	۲.۶۲۷	۰.۲۴۸	۰.۰۹۸	۰.۱۰۸	فرهنگ پدرسالارانه
۰.۰۰۳	۳.۸۷۵	۰.۲۹۸	۰.۱۷۸	۰.۲۳۶	تعلق حزبی-سیاسی خانواده
۰.۰۰۲	۲.۶۷۸	۰.۸۳۷	۰.۱۰۰	۰.۲۱۹	آگاهی اجتماعی خانواده
۰.۰۰۳	۱۱.۶۸۲	۰.۹۸۶	۰.۱۷۲	۰.۳۷۶	حمایت اجتماعی خانواده
۰.۰۰۱	۹.۰۸۳	۰.۷۸۹	۰.۱۸۵	۰.۱۵۷	انسجام خانوادگی
۰.۰۰۳	۸.۱۷۹	۰.۶۷۸	۰.۱۲۶	۰.۲۰۴	پیوند اجتماعی
۰.۰۰۵	۲.۱۳۶	۰.۱۶۴	۰.۰۸۵	۰.۱۰۵	مشارکت اجتماعی
۰.۰۰۳	۴.۱۶۲	۰.۴۹۵	۰.۲۰۳	۰.۱۸۸	اعتماد اجتماعی
۰.۰۰۲	۶.۱۸۵	۰.۳۷۸	۰.۱۰۶	۰.۱۸۳	احساس امنیت اجتماعی
۰.۰۰۱	۱۱.۵۹	۰.۷۲۱	۰.۱۶۹	۰.۲۴۸	طبقه اجتماعی
۰.۰۰۰	۷.۰۰۳	۰.۵۸۵	۰.۱۹۹	۰.۲۱۵	آگاهی سیاسی
۰.۰۰۰	۱۲.۱۸۹	۰.۸۱۲	۰.۲۰۰	۰.۳۶۲	احساس اثربخشی سیاسی
۰.۰۰۱	۲.۴۸۷	۰.۶۸۹	۰.۲۳۱	۰.۱۶۷	عضویت انجمنی و حزب سیاسی
۰.۰۰۳	۳.۱۷۸	۰.۴۳۸	۰.۱۳۸	۰.۳۸۱	فرهنگ سیاسی
۰.۰۰۱	۱۳.۰۵۶	۰.۸۰۰	۰.۲۲۲	۰.۱۱۲	درآمد
۰.۰۰۰	۱۴.۳۱۲	۰.۶۷۲	۰.۳۰۱	۰.۲۳۸	منزلت شغلی
۰.۰۰۲	۷.۱۳۵	۰.۷۸۹	۰.۲۴۱	۰.۱۹۶	سرمایه اقتصادی

بر اساس یافته‌های جدول فوق، اثرگذاری کلی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته:

۱. عوامل روانی

- بین متغیر احساس بیگانگی اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۱۵۸$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۰$) رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین احساس بی منزلتی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۳۱۶$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۳$) رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین احساس رضایت اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۳۰۷$) و $\text{sig} = ۰.۰۰۱$) رابطه معنی داری وجود دارد.

۲. عوامل فرهنگی

- بین سرمایه فرهنگی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۱۸۸$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۱$) رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین ساختار پدرسالارانه و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۱۰۸$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۰$) رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین سطح تحصیلات و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۱۵۸$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۱$) رابطه معنی داری وجود دارد.

۳. عوامل خانوادگی

- بین تعلق حزبی-سیاسی خانواده و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۲۳۶$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۳$) رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین آگاهی اجتماعی خانواده و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۲۱۹$) و $\text{sig} = ۰.۰۰۲$) رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین حمایت اجتماعی خانواده و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۳۷۶$) و $\text{sig} = ۰.۰۰۳$) رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین انسجام خانوادگی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۱۵۷$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۱$) رابطه معنی داری وجود دارد.

۴. عوامل اجتماعی

- بین پیوند اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۲۰۴$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۳$) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۱۰۵$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۵$) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۱۸۸$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۳$) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین احساس امنیت اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۱۸۳$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۲$) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین طبقه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۲۴۸$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۱$) رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵. عوامل سیاسی

- بین آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۲۱۵$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۰$) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین عضویت انجمنی و حزب سیاسی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۱۶۷$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۱$) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۳۸۱$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۳$) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین احساس اثربخشی سیاسی و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۳۶۲$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۰$) رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۶. عوامل اقتصادی

- بین درآمد و مشارکت سیاسی زنان ($\text{Effect size} = ۰.۱۱۲$ و $\text{sig} = ۰.۰۰۱$) رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- بین منزلت شغلی و مشارکت سیاسی زنان (Effect size = ۰.۲۳۸ و sig=۰.۰۰۰) رابطه معنی داری وجود دارد.

- بین سرمایه اقتصادی و مشارکت سیاسی زنان (Effect size = ۰.۱۹۶ و sig=۰.۰۰۲) رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۱۲. اندازه اثر کل پژوهش

گزارش آماری					اثر کل
P Value	Z Value	حد بالا	حد پایین	مقدار اثر	
۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۵	۰.۳۸۷	۰.۱۴۵	۰.۲۳۸	کل
۰.۰۰۰	۸۱.۰۴۴	۰.۵۱۴	۰.۱۲۲	۰.۱۳۲	عوامل روانی
۰.۰۰۲	۳.۶۳۹	۰.۲۸۷	۰.۲۳۵	۰.۲۶۸	عوامل فرهنگی
۰.۰۰۳	۸.۱۰۲	۰.۹۸۷	۰.۲۱۴	۰.۱۸۰	عوامل خانوادگی
۰.۰۰۱	۴.۲۵۶	۰.۵۸۱	۰.۱۶۹	۰.۲۶۹	عوامل اجتماعی
۰.۰۰۲	۳.۰۱۵	۰.۸۸۵	۰.۴۶۱	۰.۱۸۴	عوامل سیاسی
۰.۰۰۵	۶.۷۱۹	۰.۶۳۸	۰.۲۰۰	۰.۲۰۴	عوامل اقتصادی

در نهایت مجموع متغیرهای فوق، ۲۳ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی زنان را تبیین کرده‌اند.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

نقش و اثرگذاری زنان در فعالیتهای سیاسی مسئله قابل توجهی است. چنان‌که تئوری و دیدگاه‌های متعددی از سوی اندیشمندان اجتماعی به اثرپذیری متفاوت زنان و مردان در حوزه‌های مختلف تربیتی، اجتماعی، فکری و فرهنگی اشاره دارد که مشارکت متفاوت زنان و مردان را رقم می‌زند. هدف اصلی مطالعه حاضر انجام یک فراتحلیل بر روی مطالعات پیمایشی در مشارکت سیاسی زنان در دهه ۸۰ و ۹۰ است، خلاصه مهمترین نتایج پژوهش عبارتند از:

- با افزایش احساس بیگانگی زنان در جامعه، احتمال کاهش مشارکت آنها در انتخابات و امور سیاسی کاهش می‌یابد.

- زنانی که در جامعه از منزلتی خاص برخوردار نیستند، احساس مهم و ارزشمندی در اجتماع ندارند، از میزان تمایل آن‌ها در مشارکت انتخاباتی کاسته می‌شود.
- رضایت اجتماعی به نگرش و رضایت زنان از زندگی، آینده و اوضاع کلی خود در جامعه است، هرچه رضایت اجتماعی بیشتری داشته باشند، برای ایجاد تحول در شرایط اجتماعی خودشان و اوضاع کلی جامعه، در مشارکت سیاسی جدیت بیشتری از خود نشان می‌دهند.
- سرمایه فرهنگی در بین جمعیت زنان، ضمن آگاه بخشی به آن‌ها، باعث ارتقای نگرش و بینش آن‌ها درباره مسائل فرهنگی و اجتماعی شده و از آن‌ها به‌عنوان کنش‌گری فعال سیاسی می‌سازد.
- نظام پدرسالاری که در آن مردان نقش اصلی و واحد تصمیم‌گیری قدرت در امور سیاسی هستند، زنان چندان نقش کلیدی در ستون تشکیلات سیاسی بازی نمی‌کنند، این نظام و فرهنگ حاکم در جوامع در حال توسعه و جنسیتی شده مبتنی بر نقش زن/مرد (دوگانگی نقش سلسله مراتبی)، مانع مهمی در توسعه مشارکت سیاسی زنان محسوب می‌شود.
- تحصیلات از مؤلفه و رکن مهم افزایش نقش زنان در مشارکت سیاسی است، هرچه زنان جامعه از آگاهی و دانش علمی بیشتری برخوردار باشند، به احتمال نقش زیادی را مشارکت سیاسی بر عهده خواهند داشت.
- خانواده‌هایی که در آن حزب و همکاری در برنامه‌های حزبی مهم است و نوعی آگاهی در این زمینه رایج است، مشارکت سیاسی را جلدی تلقی کرده و سعی در مشارکت سیاسی خواهند داشت.
- آگاهی اجتماعی خانواده و وجود نظامی از دانش اجتماعی که وضعیت خانواده از حالت سستی، پدرسالاری و فقر فرهنگی نجات دهد، باعث توسعه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان خواهد شد.
- خانواده‌هایی که حمایت اجتماعی زیادی از همدیگر دارند، به دلیل وجود عاطفه، همدلی و همگرایی احساسی، رفتارهای جمعی را بر رفتاری فردگرایانه ترجیح داده و سعی در مشارکت سیاسی خواهند داشت.

- پیوستگی و انسجام در بین خانواده‌ها، باعث می‌شود که آن‌ها در تعیین هدف سیاسی و انتخاب یک کاندیدا و فرد سیاسی، مشارکت سیاسی را مهم و ارزشمندتر تلقی کنند.
- وجود پیوندهای اجتماعی در جامعه بین خانواده، احزاب، نهادها و امکان ارتباط‌گیری زنان جامعه با هریک از این نهادها، بسترهای افزایش مشارکت سیاسی را ایجاد می‌کنند.
- همکاری و مشارکت زنان در نهادها، سمن‌ها و مسائل شهری، ضمن ایجاد حس ارزشمندی و کاهش بیگانگی اجتماعی، باعث اتصال زنان به امور سیاسی خواهد شد.
- رواج اعتماد عمومی، فردی و عمیق در جامعه در سیاست، فرهنگ و اجتماع و باور نسبت به عملکرد صادقانه در حوزه رسمی و غیررسمی، باعث می‌شود که زنان در شرایط سیاسی و نیازهای سیاسی از جمله انتخابات، تعهد بیشتری از خود نشان دهند.
- امنیت اجتماعی و احساس آرامش در زنان جامعه، باعث ایجاد هویت اجتماعی و استقلال و امنیت شده و باعث افزایش مشارکت سیاسی آن‌ها می‌شود.
- هرچه جامعه از سطح طبقه پایین به طبقه میانی و بالا ارتقا یابد، به دلیل افزایش جایگاه اجتماعی و تغییر ذائقه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، احتمال افزایش مشارکت سیاسی آن‌ها نیز بیشتر است.
- زنانی که از آگاهی و بینش سیاسی بالایی برخوردار هستند، از اتفاقات و مسائل سیاسی آگاهی ویژه‌ای دارند، به احتمال سطح مشارکت سیاسی بالاتری نیز خواهند داشت.
- زنانی که در مؤسسات و نهادهای سیاسی عضویت دارند و به دلیل فعالیت و مسئولیت در مشارکت سیاسی نیز جدی و فعال خواهند بود.
- فرهنگ سیاسی و اهمیت دادن به سیاست و انتخابات، باعث می‌شود که زنان در مشارکت سیاسی نقش و تأثیر زیادی داشته باشند.

فهم جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی ... (سیدعلی میرلوحی و دیگران) ۲۰۱

- زنانی که احساس اثربخشی در جامعه دارند و فکر می‌کنند که با دادن رأی و انتخاب یک کاندیدا، در جامعه و شرایط اجتماعی تغییراتی ایجاد خواهد شد و به عاملیت زنان اطمینان یابند، به‌طورقطع مشارکت سیاسی را جدی‌تر تلقی می‌کند.
- درآمد نقش مهمی در بالاتر سهم مشارکت سیاسی زنان دارد، هرچه سطح درآمد بالا رود، احتمال افزایش مشارکت نیز بالاتر است.
- زنانی که از منزلت شغلی در جامعه برخوردار است، به دلیل هویت شغلی و احساس ارزشمندی سازمانی و همچنین نوعی کنترل سازمانی، سعی در مشارکت سیاسی و فعالیت در این زمینه خواهند داشت.
- هرچه سرمایه اقتصادی زنان افزایش یابد، باعث گریز از انزوای طردشدگی و وابستگی اقتصادی-مالی شده و همین امر احتمال مشارکت آن‌ها را به‌عنوان فردی فعال، مستقل و صاحب‌اختیار در جامعه افزایش می‌دهد.

کتاب‌نامه

- آبرکرامبی، نیکلاس؛ هیل، استفان و ترنر، برایان (۱۳۷۶)؛ فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: نشر چاپخش.
- ابطحی، صفی نازالسادات (۱۳۹۹)؛ ((توانمندسازی زنان و مشارکت سیاسی در ایران مطالعه موردی: دوره جمهوری اسلامی))، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره هفتم، ص ۸۲-۶۵.
- اسکندری چراتی، آذر (۱۳۹۶)؛ ((بررسی عوامل مؤثر برافزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر))، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دهم، شماره ۳۷.
- اطهری حسین؛ ابوالقاسم شهریاری (۱۳۹۳)؛ ((بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان مطالعه موردی زنان شهر بوشهر))، زن در توسعه و سیاست، شماره ۲، ص ۲۸۶-۲۶۵.
- امام‌جمعه زاده، سیدجواد؛ رهبر قاضی، محمود رضا؛ عیسی‌نژاد، امید و مرندی، زهره (۱۳۹۱)؛ ((بررسی رابط میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان))، دانش سیاسی، س. ۸، ش. ۱، ص ۶۸-۳۷.
- امیری اسفنجانی، زهرا (۱۳۸۵)؛ ((مشارکت سیاسی زنان، زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر آن مطالعه موردی شهر اصفهان))، فرهنگ اصفهان، ش. ۳۱، ص ۹۴-۸۶.

باقری، احمد (۱۳۸۸)؛ ((بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی‌ها و مشارکت سیاسی-اجتماعی خانواده‌های نیروهای مسلح))، فصلنامه فرهنگی-دفاعی زنان و خانواده، سال، شماره ۶، ص ۹۲-۷۴.

باقری، معصومه؛ حسین‌زاده، علی حسین و شجاعی، حسن (۱۳۹۶)؛ ((بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان استان خوزستان مطالعه موردی: شهر اهواز))، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۳، شماره پیاپی ۴۷، ص ۲۹-۶۲.

باقری، معصومه؛ حسین‌زاده، علی حسین و شجاعی، حسن (۱۳۹۸)؛ ((بررسی رابطه جامعه‌پذیری سیاسی با مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز با رویکرد الگوسازی معادله ساختاری))، <https://civilica.com/doc/1010215>

بردلی، هریت (۱۳۸۶)؛ دگرگونی ساختارهای اجتماعی، طبقه و جنسیت (فهم جامعه مدرن ۴)، ترجمه محمود متحد، نشر: اله.

بستان، حسین (۱۳۸۳)؛ اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم. بگ رضایی، پرویز (۱۳۸۷)؛ ((بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در شهرستان ایلام))، فرهنگ ایلام، شماره ۲۱ و ۲۲، ص ۷۲-۵۴.

پالمر، مونتی؛ اشترون، الری و گایل، چارلز (۱۳۷۱)؛ نگرشی جدید به علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

پاملا، آبوت و والاس، کلو (۱۳۸۰)؛ جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی. پناهی، محمدحسین و بنی فاطمه، سمیه سادات (۱۳۹۳)؛ ((فرهنگ سیاسی و مشارکت زنان))، علوم اجتماعی، شماره ۶۸، ص ۷۷-۳۵.

پیشگاهی فرد، زهرا، زهدی گهرپور، محمد (۱۳۸۹)؛ ((بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی))، فصلنامه زن و جامعه، سال اول، شماره ۱، بهار.

جعفری‌نژاد، مستد؛ کلانتری صمد و نورمحمدیان، مژگان (۱۳۸۸)؛ ((بررسی میزان مشارکت سیاسی زنان شاغل در آموزش و پرورش ناحیه یک شهرکرد))، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۰، ش. ۱، ص ۱۰۴-۸۳

جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۱)؛ ((بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خوروج))، پژوهشنامه علوم سیاسی، س. ۷، ش. ۲، ص ۱۲۲-۸۷.

خواججه‌نوری، بیژن و مقدس، علی اصغر (۱۳۸۹)؛ ((ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز مهریز))، سیاست و اندیشه، س. ۱، ش. ۴، ص ۱۵۰-۱۲۳.

فهم جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی ... (سیدعلی میرلوحی و دیگران) ۲۰۳

خواججه‌نوری، بیژن؛ مقدس، علی‌اصغر (۱۳۸۷)، ((جهانی‌شدن و مشارکت سیاسی زنان در ایران مورد مطالعه: تهران، شیراز و استهبان))، علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، دوره ۲۰، سال چهارم، شماره ۲.

دارابی، مسعود (۱۳۹۴)؛ ((بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در استان همدان مطالعه موردی: شهر نهاوند))، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۵، شماره ۱۷، ص ۸۴-۵۷. راش، مایکل (۱۳۷۷)؛ جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.

رضوی الهاشم، بهزاد (۱۳۸۸)؛ ((تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرآیند توسعه سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی))، علوم اجتماعی، شماره ۲۱.

رهبرقاضی، محمودرضا و کوشکی، امین (۱۳۹۶)؛ ((نقش جنسیت در مصرف‌گرایی سیاسی شهروندان))، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۵، ش. ۱، ص ۸۵-۱۰۰.

رئیی، سیما؛ تفضلی، حسین؛ توحیدفام، محمد و طاهری، احمدرضا (۱۳۹۹)؛ ((موانع نهادی مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان))، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۸، شماره ۲، ص ۳۳۴-۳۱۳.

رئیی؛ سیما، تفضلی، حسین؛ توحیدفام؛ محمد و طاهری، احمدرضا (۱۳۹۹)؛ ((موانع نهادی مشارکت سیاسی زنان در منطقه بلوچستان))، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۸، شماره ۲، ص ۳۳۴-۳۱۳.

زارعی، غفار (۱۳۹۶)؛ ((بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی: معلمان شهرستان پارسیان))، زن و جامعه، شماره ۳، پیاپی ۳۱.

زمردبخش آزاد، شهناز؛ حق‌شناس، محمدجواد؛ پاک‌نیا، محبوبه و مصفا؛ نفسرین (۱۳۹۹)؛ ((بررسی و تبیین موانع مشارکت سیاسی زنان در احزاب با تأکید بر ساختار فرهنگی ایران))؛ فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال یازدهم، شماره ۴۵، ص ۹۷-۱۱۸.

زندى، فاطمه؛ دامن‌کشیده، مرجان؛ مرادحاصل، نیلوفر (۱۳۹۱)؛ ((نقش رشد اقتصادی بر مشارکت زنان در کشورهای منتخب آسیا))، فصل‌نامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، س ۳، شماره ۱۱. ساروخانی، باقر (۱۳۷۷)؛ روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

شریعتی، روح‌الله (۱۳۹۹)؛ ((استقلال سیاسی زنان در مشارکت سیاسی))، فصلنامه علوم سیاسی، سال بیست و سوم، شماره هشتاد و نهم.

شیخ ذکریایی، وریا؛ محمدی، امید؛ کریمی، صلاح‌الدین، نافهی، ایوب (۱۳۹۶)، (بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان شهرستان سنندج در سال ۱۳۹۴)، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، شماره ۴.

شیخ‌زاده، حسین و صفری، محمدحسین (۱۳۹۹)؛ (ارزیابی مشارکت سیاسی زنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و عوامل مؤثر بر آن)، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال هشتم، شماره ۱۸.

صیامیان گرجی، زهرا؛ وثوقی، منصور؛ باصری، علی، ساروخانی، باقر و قدیمی، بهرام (۱۳۹۹)؛ (تحلیل کیفی تأثیر عوامل فرهنگی اجتماعی و انگیزشی بر مشارکت سیاسی زنان شهر تهران)، فصلنامه پژوهش اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۴۸ - شماره پیاپی ۴۸، ص ۳۹-۱۹.

عظیمی هاشمی، مژگان؛ قاضی طباطبایی، محمود و هدایتی، علی اصغر (۱۳۹۴)؛ (مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل مؤثر بر آن)، فصلنامه علم- پژوهشی زن و جامعه. سال ششم، شماره چهارم.

علم، محمدرضا؛ حمیدی نسب، منا و حزباوی، سمیره (۱۳۹۰)؛ (زنان و مشارکت سیاسی)، زن و فرهنگ، شماره ۹.

علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)؛ بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران: دفتر برنامه‌ریزی وزارت کشور.

علیمردانی، محمدرضا و ازغندی، علیرضا (۱۳۹۹)، (مشارکت سیاسی ایدئولوژیکی زنان در نیل به توسعه سیاسی در تاریخ معاصر ایران)؛ فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال یازدهم، شماره ۴۵، ص ۴۵۱-۴۳۵

غروی نایینی، نهله (۱۳۸۸)، (مشارکت سیاسی زنان صدر اسلام)، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۲، شماره ۴۶، ص ۲۲۴-۱۹۶

غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن (۱۳۸۶)؛ جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: نشر نزدیک.

فریدمن، جین (۱۳۸۱)؛ فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: انتشارات آشیان.

فیروز جانیان، علی اصغر و جهانگیری، جهانگیر (۱۳۸۷)؛ (تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران)، فصلنامه علوم اجتماعی، ش. ۱۱، ص ۸۴-۱۱۰

قاسمی، وحید (۱۳۸۱)؛ (متغیرهای فرهنگی اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در استان اصفهان)، فرهنگ اصفهان، ش. ۲۰، ۸۷-۸۰

فهم جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی ... (سیدعلی میرلوحی و دیگران) ۲۰۵

گلابی، فاطمه و حاجیلو، فتانه (۱۳۹۱): ((بررسی جامعه‌شناختی برخی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی آذربایجان شرقی))، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، ش. ۱، ص ۲۰۰-۱۷۳.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱): جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
لهسایی زاده، عبدالعلی و باور، یوسف (۱۳۸۱): ((نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی زنان))، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۱۹، ص ۱۵۰-۱۳۷.
محسنی تیریزی، علیرضا (۱۳۹۰): ((بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی))، نامه پژوهش، سال اول، شماره ۱.

مسعودنیا، حسین؛ محمدی‌فر، نجات؛ مرادی، گلمراد و فروغی، عاطفه (۱۳۹۱): ((بررسی عوامل اجتماعی- روان‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی استادان دانشگاه مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان))، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره چهارم
مصفا، نسرین (۱۳۷۵)، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: وزارت امور خارجه.

مظفری، محمدمهدی؛ بختیاری، حسین و روشن قیاس، کلثوم (۱۳۹۹): ((بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای مشارکت سیاسی زنان شهر قزوین))، فصلنامه علمی پلیس زن، دوره ۱۴، شماره ۳۲، ص ۱۹۵-۱۸۰.

ملکی، امیر (۱۳۸۴)، ((نگرش جوانان نسبت به مشارکت زنان در سطح برگزیدگان سیاسی))، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵.

موحد، مجید، عنایت، حلیمه، پورنعمت، آرش (۱۳۸۷)، ((بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان))، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی.
نیک‌پورقنواتی، لیلا؛ معینی، مهدی و احمدی، حبیب (۱۳۹۱): ((بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی))، فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال سوم، شماره اول.

هاشمی، سیداحمد (۱۳۹۴)، ((بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان مطالعه موردی: زنان ۱۸ تا ۳۹ سال شهرستان لامرد))، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال ششم، شماره اول.

هاشمی، سیدضیاء؛ فولادیان، مجید و فاطمی امین، زینب (۱۳۸۸): ((بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران))، علوم سیاسی، س. ۵، ش. ۱، ص ۲۲۶-۱۹۹.

- هام، مگی و گمیل، سارا (۱۳۸۲)؛ فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه فیروز مهاجر،
نوشین احمدی خراسانی، فرخ قره داغی، تهران: نشر توسعه.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)؛ سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی،
تهران: نشر علم.
- واینر، مایرون و هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹)؛ درک توسعه سیاسی، ترجمه پژوهشکده مطالعات
راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

- Castillo, Clare (2009); "Women's Political Participation and Influence in Sierra Leone",
Fundación para las Relaciones Internacionales y el Diálogo Exterior: www.fride.org.
- Djupe, Paul & Grant, Tobin (2001); "Religious Institutions and Political Participation in
America", *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol 40: PP 303-314.
- Greenberg, Marcia (2000); "Women's Political Participation in the Republic of Macedonia:
Opportunities to Support Women in Upcoming Elections and Beyond", International
Center for Research on Women Academy for Educational Development.
- Hoffman, Michael & Dowd, Robert (2008); "Religion Gender and Political Participation in
Africa: Lessons From Nigeria, Senegal and Uganda", Department of Political Science,
University of Notre Dame, Paper presented at the annual meeting of the Midwest Political
Science Association 67th Annual National Conference, www.citation.allacademic.com.
- Jemna, Vasile & Curelaru, Mihai (2009); "Values and Students' Political Participation",
Journal for The Study of Religions and Ideologies, Vol 8, No 24: PP 168-188.
- Millbrath, L (1981); *Political Participation in Handbook of Plitlcal Behavoir*, Vol.4 New York:
Plenum Press
- Niner, Sara & True, Jacqui & Parashar, Swati & George, Nicole (2012); "Women's Political
Participation in Asia and the Pacific", *Women's Political Participation Report Asia-
Pacific*: www.quotaproject.org.
- O'Neill, Brenda (2004); "Gender, Religion, Social Capital and Political Participation",
Prepared for Delivery at the Annual Meeting of the American Political Science
Association: www.allacademic.com.